

سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان

(آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی)^۱

محمد رضا مشکانی، زهراسادات مشکانی

در این مقاله، به بررسی میدانی موضوع بزهکاری نوجوانانی که به جرم بزهکاری در تهران بزرگ در سال ۱۳۷۱ دستگیر شده‌اند پرداخته‌ایم. چارچوب نظری این بررسی یک نظریه تلفیقی است که از تلفیق دو نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و پیوندهای افتراقی ساترلند و کرسی به وجود آورده‌ایم تا در تعیین علت‌ها هم عوامل درونی و هم بیرونی مؤثر در بزهکاری را به حساب آوریم. از بین ۱۴۰ پسر و ۱۵ دختر زیر ۱۸ سال، که در آن سال دستگیر شده بودند، با ۹۰ پسر و همه دختران مصاحبه سازمان‌یافته به عمل آورده‌ایم. چهار متغیر مربوط به معرف اعمال بزهکارانه و ۸۱ متغیر مستقل را که شامل خصوصیات فردی، وضع زندگی و مهاجرت، نظام حمایتی خانواده، باورها و عملکردها، ارتباط با بزهکاران و سرگرمی‌ها و گذران اوقات فراغت بودند اندازه‌گیری کرده‌ایم. اجرای یک تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که تنها سه عامل بر شدت بزهکاری اثر دارند و می‌توانند آن را تبیین کنند. این سه عامل عبارت بودند از: عامل وابستگی نوجوان به خانواده، باورها و نگرش‌ها و ارتباط با بزهکاران. یافته‌ها نشان می‌دهند که هر قدر وابستگی نوجوان به خانواده قوی‌تر باشد، از شدت اعمال بزهکارانه کاسته می‌شود. باورهای مذهبی عامل بازدارنده بزهکاری‌اند و نگرش‌های منفی نسبت به قانون، مجریان قانون، و هنجارهای اجتماعی باعث تقویت بزهکاری می‌شوند. سرانجام ارتباط با بزهکاران به صورت صمیمی و مستمر قویاً نوجوان را به سوی بزهکاری سوق می‌دهد.

۱. این طرح با حمایت و پشتیبانی مالی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است. پژوهشگران وظیفه خود می‌دانند مراتب سپاسگزاری خود را از مسئولان محترم آن دانشگاه اعلام نمایند.

مقدمه

طرح مسئله و ضرورت پژوهش

بزهکاری نوجوانان پدیده اجتماعی جهانی است، گرچه جوامع گوناگون برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبه‌رو هستند. در همه جوامع انسانی، اصطلاح «بزهکار» در مورد افرادی به کار برده می‌شود که اعمالی خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می‌دهند. با توجه به این‌که این احکام در جامعه‌های گوناگون متفاوت است، فرد متخلف در یک جامعه، ممکن است در جامعه‌ای دیگر از تخلف بری باشد. «در کشور ما بزهکاری به کل جرایمی گفته می‌شود که در صورت ارتکاب، به موجب قصاص، دیات، حدود و تعزیرات دارای مجازات هستند» (پیکا، ۱۳۷۰).

پژوهش‌های متعدد در دنیا، که خلاصه‌ای از آن‌ها را در بخش سوابق پژوهش خواهیم آورد، نشان می‌دهد که بزهکاری کودکان و نوجوانان از چند جنبه واجد اهمیت است. کودکان و نوجوانانی که گرفتار این بلیه اجتماعی می‌شوند، در اکثر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و کار از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آن‌ها تأثیر فراوان می‌گذارد و با توجه به پذیرفته نشدن آنان در حلقه‌های درسی و کاری آبرومند و آینده‌ساز، قشری مطرود از این‌گونه افراد به وجود می‌آید که به نوبه خود مسئله را برای نسل‌های آینده تشدید می‌کند و باعث تباهی کودکان و نوجوانان بیشتری می‌شود. رنج و ناراحتی خانواده‌های کودکان و نوجوانان بزهکار نیز از لحاظ سلامت اجتماع قابل توجه است و ممکن است موجب تنش‌هایی بین خانواده‌ها، همسایگان و دیگران شود.

این مسئله از لحاظ هزینه و وقت و نیرویی که دولت‌ها صرف حل آن می‌کنند نیز اهمیت زیادی دارد. اداره کانون‌های اصلاح و تربیت، کانون‌های کارآموزی، نیروی انتظامی، دادگاه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان و هزینه‌های مربوط به آن‌ها باری بر دوش بودجه هر کشوری است. در صورتی که راه‌های پیش‌گیری این معضل شناخته و از کثرت کودکان و نوجوانان بزهکار کاسته شود، قسمت اعظم این بودجه را می‌توان صرف آموزش و پرورش و تربیت علمی و عملی این قبیل افراد کرد که سرمایه‌گذاری بسیار خوبی برای آینده آنان خواهد بود و موجب زندگی‌های ثمربخش و سعادت‌مندانه‌تر خواهد شد.

بنابر مراتب فوق، بررسی مسئله بزهکاری کودکان و نوجوانان برای یافتن علل و دستیابی به راه‌های پیش‌گیری از آن بسیار ضروری و مهم است. از دیدگاه انسان‌دوستانه، برای جلوگیری از تباهی بسیاری از فرزندان هر مملکت؛ از دیدگاه جامعه‌شناسانه، برای تبیین علل بزهکاری و

تمهید و سالیلی برای جلوگیری از آن؛ و از دیدگاه اقتصادی، برای صرف هزینه‌های مربوط به دستگیری، محاکمه، اصلاح و تهذیب بزهکاران در جاهای دیگری که اثرات مثبت بیشتری داشته باشد، ضرورت مسئله بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری کودکان و نوجوانان آشکارتر می‌شود. هدف از این بررسی آن است که با تکیه بر نظریه‌های موجود جامعه‌شناختی درباره بزهکاری کودکان و نوجوانان، با استفاده از داده‌های عینی که از افراد بزهکار به دست می‌آوریم و با به‌کارگیری تحلیل‌های پیشرفته آماری، مسئله بزهکاری کودکان و نوجوانان را به‌طور جامع بررسی کنیم و به ساختار عوامل مؤثر بر بزهکاری در بین این دو گروه پی ببریم. به بیان دیگر، جواب‌های کمی برای سؤال‌هایی از قبیل سؤالات زیر فراهم آوریم: عواملی از قبیل خانواده سالم، وجود پیوند قوی بین فرزندان و والدین، اشتغال سالم به کار و تحصیل تا چه حد در جلوگیری از بزهکار شدن نوجوانان تأثیر دارد؟ همچنین دارا بودن اعتقادات قوی مبنی بر گناه بودن بعضی اعمال، یا مجاز نبودن به تصرف در اموال دیگران و آزار آنان چه تأثیری بر این مسئله دارد؟ آیا عواملی هستند که اثر همدیگر را خنثی یا تشدید کنند؟ و نیز زندگی کردن کودک و نوجوان با افراد مجرم، سر و کار داشتن با افراد مجرم در خانواده، مدرسه، محله و بین اقوام و آشنایان، چه تأثیری بر بزهکار شدن آنان دارد؟ آیا تعاملی بین این عوامل وجود دارد؟

سوابق پژوهش

پسچیدگی عوامل مؤثر در پدیده بزهکاری سبب شده است که هر گروه از محققان آن را از دیدگاهی خاص بررسی کنند: روان‌شناسان و روان‌پزشکان از دیدگاه روان‌شناختی، حقوق‌دانان از دیدگاه جرم‌شناسی و مسائل کیفری، پزشکان و زیست‌شناسان از نظر عوامل مؤثر زیستی و بالأخره جامعه‌شناسان از دید آسیب‌شناسی اجتماعی. با این‌که مسئله بزهکاری نوجوانان در مقام مسئله‌ای اجتماعی، از زمان انتشار اولین گزارش راجع به دادگاه‌های ویژه نوجوانان در سال ۱۸۹۹، نظرهارا به خود جلب کرده است، بررسی عوامل مؤثر سبب‌شناختی آن قدمت چندانی ندارد. در کشور ما نیز با وجود اهمیت فراوان مسئله بزهکاری بررسی آن در مقام مقوله‌ای اجتماعی سابقه چندانی ندارد. تأسیس کانون اصلاح و تربیت در سال ۱۳۴۷ خورشیدی به منظور بهره‌گیری از اقدامات تربیتی و تهذیبی به جای مجازات اطفال بزهکار، نشانه‌ای از نوپا بودن بررسی‌های اجتماعی و تربیتی در ایران است.

مروری بر پژوهش‌های اجرا شده در زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان ایران و بررسی‌های کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که در این زمینه صرفاً چند کتاب تألیف شده و پژوهش‌های معتبر بسیار معدود است. نویسندگان کتاب‌های تألیفی هم بیشتر مفاهیم را از منابع

خارجی یا داخلی اقتباس کرده‌اند و با استدلال‌های نظری و ذهنی به بررسی مسئله بزهکاری کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند. از آن‌جا که این آثار براساس نظریه‌ای زیرساختی نگاشته نشده و نویسندگان آن‌ها در پی آزمودن فرضیه‌هایی خاص نیستند، خارج از دایره پژوهش‌های عینی قرار می‌گیرد.

پژوهش‌های تجربی، که بیشتر مورد نظر ماست، به دو دسته تقسیم می‌شود: یک دسته پژوهش‌هایی که دانشجویان به عنوان پایان‌نامه تحصیلی تهیه کرده‌اند، و دسته دیگر پژوهش‌هایی که برخی پژوهشگران بنا بر علاقه و سلیقه خود اجرا کرده‌اند.

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی (سابق) در چند پایان‌نامه تحصیلی به بررسی جنبه‌هایی از عوامل مؤثر در بزهکاری پرداخته‌اند (محمد قائمی، ۱۳۵۳؛ حسن نعمت‌زاده بابکی، ۱۳۵۳). در پژوهشی دیگر (ولیدی، ۱۳۵۸) که در شهر سنج، استان کردستان، انجام شده به تأثیر مهاجرت بر بزهکاری نوجوانان اشاره و به تضاد فرهنگی بین محیط زندگی قبلی و بعدی توجه شده است. در این گزارش، پژوهشگر با دیدی وسیع به اکثر عوامل مؤثر در مسئله بزهکاری نگریسته، اما متأسفانه از تحلیل جدول‌های خام متعددی که گردآورده بازمانده و نهایتاً نتیجه‌ای قطعی نگرفته و بیشتر در حد توصیف باقی مانده است.

غفوری غروی (۱۳۵۹) به بررسی پرونده‌های اطفالی که از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲ در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برده‌اند، می‌پردازد. در گزارش وی آمده است که ۴۰ تا ۵۰ درصد اطفال مورد بررسی در این پژوهش متعلق به خانواده‌های گسسته‌اند. احدی و محسنی (۱۳۷۰) به بررسی ۲۶۵۲ دانش‌آموز که بنا به گزارش مربیان، معاونان و مدیران مدرسه یکی از تخلف‌های دزدی، همجنس‌بازی، اعتیاد را مرتکب شده یا دچار سایر اختلال‌های رفتاری بودند، پرداخته و ۸۸۱ دانش‌آموز عادی همان مدارس به عنوان گروه شاهد انتخاب کرده‌اند. آن‌ها گزارش می‌دهند که درآمد پدر، مهاجرت، به بطالت گذراندن اوقات فراغت، وضعیت دوستان و ازدواج مجدد پدر بر بزهکاری دانش‌آموزان تأثیر گذاشته، اما تحصیلات پدر، سن مادر و محل سکونت ارتباطی با بزهکاری دانش‌آموز نداشته است.

دقت در نحوه اجرا و تحلیل این پژوهش‌ها نقاط ضعف فراوانی را آشکار می‌سازد (احدی و محسنی، ۱۳۷۰). مثلاً برای بزهکاری تعریفی وسیع قایل شده و اختلال‌های رفتاری از قبیل پرخاشگری و دعوای بین دانش‌آموزان را نیز بزهکاری تلقی کرده‌اند. مرجع تعیین بزه نیز افرادی بوده‌اند که در امر تشخیص جرم و اثبات آن صلاحیت قانونی نداشته‌اند. از لحاظ تحلیل داده‌های گردآوری شده نیز هربار به رابطه بزهکاری با یکی از عوامل برشمرده پرداخته‌اند و از رابطه بزهکاری با همه عوامل به‌طور همزمان، که در برگیرنده تعامل بین آن‌ها و میزان تشدید و

تخفیف عوامل بر اثر یکدیگر باشد، غافل مانده‌اند. مثلاً، می‌دانیم که وضع نابسامان خانواده موجب می‌شود که کودک یا نوجوان اوقات بسیاری را با دوستان در بیرون از خانه بگذرانند. پس این دو عامل یعنی گسستگی خانواده و دوستان ناباب احتمالاً اثر همدیگر را تشدید می‌کنند. به همین نحو، برخی عوامل اثرات همدیگر را خنثی می‌کنند. به این ملاحظات در تحلیل اطلاعات گردآوری شده باید توجه شود.

اشکالات عمده تحقیقات فوق عبارت است از:

— بزهکاری به درستی تعریف نشده است.

— پژوهشگران بعضاً به گزارش مراجعی که از نظر قانونی صلاحیت تشخیص جرم و اثبات آن را ندارند، اکتفا کرده‌اند.

— همه آن‌ها فاقد نظریه زیرساختی‌اند و در واقع پیش‌داوری‌های پژوهشگران را آزموده‌اند که بنا به نظر متخصصان روش تحقیق علمی (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰) این‌گونه بررسی‌ها اگر هم به نتیجه‌ای برسد، چیزی بر علم موجود نمی‌افزاید.

— روش تحلیل در همه آن‌ها بسیار ساده و در اغلب موارد یک متغیره است. با توجه به وجود همبستگی‌های قوی بین عوامل مورد بحث، این تحلیل‌ها، که از تعامل بین عوامل غفلت کرده‌اند، ممکن است به نتایج گمراه‌کننده‌ای بیانجامند.

نگاهی اجمالی به پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور می‌تواند ضمن گشودن چشم‌اندازی گسترده‌تر درباره مسئله مورد بحث ما را با عوامل مؤثر دیگری آشنا کند که در طراحی این پژوهش از آن‌ها بهره گرفته شده است.

در یک تک‌نگاری که در سال ۱۹۹۱ با عنوان بزهکاری نوجوانان، آثار کلاسیک و معاصر (تامپسون و دیگران، ۱۹۹۱) چاپ شده، هدف، گردآوردن بررسی‌های کلاسیک ممتاز و مقالات مهم و پژوهش‌های معاصر در زمینه بزهکاری نوجوانان ذکر شده است. کتاب شامل پنج بخش است: تعریف، نحوه اندازه‌گیری و میزان بزهکاری نوجوانان در بخش یک آمده که براساس آن فهرستی از کارهای بزه بر طبق قوانین و مقررات آمریکا تعیین شده است. مقالات بخش دوم ناظر به تبیین جامعه‌شناختی بزهکاری و نظریه‌های گوناگون در این باره است. در این نظریه‌ها عوامل گوناگونی را برای تبیین بزهکاری در نظر می‌گیرند، ولی در همه آن‌ها بر ماهیت اجتماعی مسئله تأکید می‌شود. بخش سوم به بررسی بزهکاری نوجوانان در متن جامعه و در زمینه رفتار گروهی می‌پردازد. در این بخش تأثیر خانواده و همالان به عنوان

متغیرهای مهم بررسی شده و نقش دسته‌ها^۱ در بزهکاری مورد توجه قرار گرفته است. بخش چهارم مربوط به برخورد جامعه با بزهکار نوجوان است که در آن مسئله مقابله نهادهای اجتماعی، مانند دادگاه‌ها و مدارس، با این‌گونه جوانان بررسی می‌شود. بالأخره، بخش پنجم به مسئله پیشگیری و کنترل اختصاص دارد.

وسعت کار مانع از آن است که به بررسی تفصیلی یافته‌ها پردازیم، اما همین قدر می‌توانیم بگوییم که این مجموعه از جهات ذیل برای پژوهشگران قابل استفاده است: ارائه نظریه‌های گوناگون برای تبیین بزهکاری نوجوانان، ارائه الگویی واقعی برای بررسی مسئله از زوایای گوناگون و ارائه نتایج پژوهش‌های علمی گوناگون در مورد بزهکاری نوجوانان. از نقدهایی که در این مجموعه آمده، چنین برمی‌آید که هنوز نظریه واحدی برای تبیین مسئله بزهکاری ارائه نشده و به‌ویژه در کشورهای گوناگون، به اقتضای فرهنگ آن‌ها، نظریه‌های متفاوت کارگشاست. دو نظریه عمده‌ای که تا حدی تبیین‌کننده بزهکاری‌اند، عبارت‌اند از نظریه کنترل هیرشی (هیرشی، ۱۹۶۹) و نظریه پیوند افتراقی ساترلند و کرسی (دوفلور و کوئینی، ۱۹۶۶).

برای آگاهی از نتایج برخی پژوهش‌ها چکیده‌ای از دو مورد را، که به کار ما مربوط می‌شود، می‌آوریم. در یک آزمون تجربی از نظریه کنترل هیرشی (تامپسون و دیگران، ۱۹۸۴)، اطلاعات از طریق پرسشنامه از ۷۲۴ دانش‌آموز در چهار دبیرستان و سه مرکز اصلاح و تربیت به دست آمد. با استفاده از روش آماری چند متغیری تحلیل مسیر نتیجه این شد که نظر هیرشی وقتی برآورده می‌شود که متغیر دوستان بزهکار در تحلیل وارد شود. یافته‌ها بیشتر با نظریه پیوند افتراقی سازگار بود تا با نظریه اصلی هیرشی درباره علل بزهکاری.

در یک بررسی تجربی دیگر ناظر به آزمون نظریه پیوند افتراقی (جنسن، ۱۹۷۲)، پژوهشگر به مسئله‌ای عام‌تر از داشتن ارتباط با بزهکاران و ارتکاب بزه پرداخته و پیامدهای ارتباط با همالان بزهکار، والدین بزهکار، و تعریف بزهکاری از نظر بزهکاران را بررسی کرده است. بررسی بر اساس پرسشنامه‌های گردآوری شده از ۱۵۸۸ دانش‌آموز غیرسیاهپوست انجام شده است. متغیرهای گوناگونی از قبیل نظارت و حمایت خانواده، دوستان بزهکار و تعداد آن‌ها، محله جرم‌خیز، وجود تشویق و منع هنگام تخلف از قوانین، کیفیت مدرسه از لحاظ وجود دانش‌آموزان بزهکار و تأثیر آن‌ها بر شدت بزهکاری مورد تحلیل‌های گوناگون آماری قرار گرفته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که نظر ساترلند و کرسی مبنی بر این‌که وضعیت زندگی

1. gangs

خانوادگی وقتی بر بزهکاری تأثیر می‌گذارد که «الگوهای بزهکاری» برای تقلید وجود داشته باشد، کافی نیست. نظارت خانواده و حمایت آنان از نوجوانان در تخفیف شدت بزهکاری آنها مؤثر است.

از این مطالب پیداست که مسئله‌ای به این پیچیدگی را نمی‌توان با روش‌های تحلیل ابتدایی یک‌متغیره و با ساده‌نگری صرف بررسی کرد.

اولاً، بررسی جامع مسئله نیاز به نظریه‌ای جامع دارد که جمیع جوانب امر را در نظر بگیرد. ثانیاً، طراحی پیچیده‌ای برای اندازه‌گیری متغیرهای دخیل لازم است، و ثالثاً روش‌های آماری چندمتغیره مناسب برای تحلیل داده‌ها ضروری است تا نتایج به دست آمده واقعاً نشان‌دهنده رابطه بزهکاری و شدت آن از یک طرف و عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی از طرف دیگر باشد.

ما نظریه‌ای را که از تلفیق دو نظریه کنترل و پیوند افتراقی حاصل شده به عنوان چارچوب نظری کار انتخاب و براساس این نظریه شاخص‌هایی را تعریف و طرز اندازه‌گیری آنها را تعیین کرده‌ایم. سپس بر اساس تحلیل‌های آماری چند متغیری «تحلیل عاملی»، تحلیل رگرسیون چند متغیره، رگرسیون لوژستیک و مدل لگ خطی به تبیین رابطه شدت بزهکاری و عوامل گوناگون پرداخته‌ایم.

چارچوب نظری پژوهش

چنان‌که در بررسی سوابق امر دیدیم، تاکنون هیچ نظریه واحدی نتوانسته تأثیر متغیرهای مستقل فردی و اجتماعی را بر فرد بزهکار تبیین کند. دو نظریه‌ای که بیش از همه به آنها توجه شده، یکی نظریه کنترل اجتماعی دورکیم است که هیرشی آن را با مسئله بزهکاری تطبیق داده و دیگری نظریه پیوندهای افتراقی است که در اصل ساترلند و کرسی مطرح کرده‌اند و بعدها اصلاحاتی در آن صورت گرفته است (دوفلور و کوئینی، ۱۹۶۶). نظریه تلفیقی مورد نظر ما از ترکیب این دو نظریه حاصل شده است. برای بیان اصول این نظریه ابتدا خلاصه‌ای از دو نظریه فوق را بیان می‌کنیم، سپس با بیان ضعف هر یک به تلفیق آن دو می‌پردازیم و نظریه‌ای جامع بنا می‌نهم و آن را به عنوان چهارچوب نظری پژوهش خود به کار می‌بریم.

نظریه کنترل اجتماعی

به عقیده هیرشی، بزهکاری به عنوان مسئله‌ای اجتماعی باید به همان‌گونه که در اجتماع رخ می‌دهد یعنی در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات

اجتماعی که نوجوان به نوعی در آن‌ها عضویت دارد، بررسی شود. از دید جامعه‌شناختی، این بررسی باید به مجموعه‌ای از اصول و تعاریف متکی باشد. برخلاف دیگر نظریه‌های بزهکاری که تأکید فراوان بر این موضوع دارند که فرد بزهکار می‌خواهد خود را تطبیق دهد، ولی براساس فشارهای اجتماعی و اضطراب‌های ساختاری برای رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی ناچار می‌شود به کارهای خلاف و نامشروع دست بزند، هیرشی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. هیرشی در کتاب *قیود اجتماعی*^۱ نظریه کنترل اجتماعی یا قیود اجتماعی را مطرح کرده و آن را آزموده است. وی ابتدا تعریف واژه بزهکاری را آورده است. او فرد بزهکار را شخصی می‌داند که از قیود اجتماعی آزاد است و در واقع به عقیده وی وقتی بزه اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قیدوبندهای اجتماعی کم‌اعتنا یا اصلاً بی‌اعتنا باشد. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی می‌توان خلاصه کرد:

– **وابستگی**^۲: حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می‌دهد. وابستگی در حقیقت نوعی قیدوبند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند. این وابستگی را هیرشی همپایه وجدان و یا من برتر^۳ می‌داند، مانند وابستگی فرزندان به والدین، اقوام نزدیک، دوستان و معلمان.

– **تعهد**^۴: میزان مخاطره‌ای است که فرد در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماعی می‌کند. بدین معنا فردی که خود را به قیود اجتماعی متعهد می‌داند از قبول این مخاطرات پرهیز می‌کند. اگر وابستگی را همپایه وجدان بدانیم، تعهد همپایه عقل سلیم یا «خود»^۵ است. مانند تعهد به پیروی از دستورات مذهبی یا حفظ شئون خانوادگی، ملی و غیره.

– **درگیر بودن**^۶: میزان مشغول بودن فرد به فعالیت‌های گوناگون است که باعث می‌شود برای کار خلاف وقت نداشته باشد. مثل درگیر شدن در سرگرمی‌های مدرسه و خانه، اشتغال به فعالیت‌های فوق برنامه، سرگرمی‌های خاص، عضویت در باشگاه‌های ورزشی و انجمن‌های ادبی، فرهنگی، علمی.

– **باورها**^۷: میزان اعتباری است که فرد برای معیارهای قراردادی اجتماع قایل است و باعث می‌شود در حالی که می‌تواند طبق میل خود از آن‌ها تخلف کند، پای‌بند به آن‌ها باقی بماند، مانند

1. *social bonds*

2. attachment

3. super ego

4. commitment

5. ego

6. involvement

7. beliefs

باور به نیکوکاری، باور به حسن شهرت در بین خانواده و همالان، باور به محرمات و بیزاری از مردم آزاری.

این نظریه در عین حال که از دید جامعه‌شناختی توجه به عوامل بالقوه مؤثر در بزهکاری دارد، از یک نظر نقص دارد و آن توجه کافی نداشتن به تأثیر محیط در بزهکاری یا عوامل بالفعل است. چنان‌که برخی پژوهشگران نیز نشان داده‌اند تنها وابستگی، تعهد، درگیر بودن و باورهای قراردادی نمی‌تواند تبیین‌کنندهٔ عدم ارتکاب به بزهکاری باشد. در این میان رفقا، مصاحبان بزهکار و به‌طور کلی همهٔ خلافکاران نیز نقش مهم و شاید مؤثرتری از عوامل فوق دارند. هیرشی در این باب معتقد بود که افراد بزهکار قادر به ایجاد وابستگی معقول و منطقی با سایرین نیستند. از این‌رو رابطهٔ بین اعمال بزهکارانه و داشتن رفقای بزهکار رابطه‌ای ظاهری است (هیرشی، ۱۹۶۹). اما بررسی‌های دیگر نشان داده است که تأثیر این رابطه و روابط مشابه با بزهکاران دیگر بر بزهکاری بسیار بیشتر از عوامل برشمرده در نظریهٔ کنترل اجتماعی است (جنسن، ۱۹۷۲؛ تامپسون و دیگران، ۱۹۸۴)

نظریه پیوند افتراقی

بنابراین نظریه، نزدیکان و همالانی که بزهکار باشند تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری می‌گذارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. نظریهٔ پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه‌اش با خانواده، محله، رفقا و مصاحبان در نظر می‌گیرد.

بررسی‌های متعدد در کشورهای دیگر اهمیت این نظریه را در تبیین بخشی از رفتارهای بزهکارانه به اثبات رسانده است. این نظریه را ابتدا ساترلند و کرسی مطرح و پس از آن دوفلور و کوئینی (۱۹۶۶) به صورت ذیل فرمول‌بندی کردند.

انگیزه، نگرش و روش بزهکارانه است که به‌طور مؤثر به ارتکاب مکرر جرایم می‌انجامد. پیوستن به بزهکاران یا جدا شدن از غیربزهکاران (پیوند افتراقی) به فراگیری مطالبی می‌انجامد که موافق تخلف از قوانین است. مکرر و غالب بودن مطالب تشویقی دربارهٔ بزهکاری و قانون‌شکنی در قیاس با فراگرفته‌های ضد بزهکاری منجر به پذیرش بزهکاری می‌شود. همچنین می‌توان گفت که روش‌های خنثی‌سازی فرد و بی‌اعتنا ساختن او نسبت به قوانین و معتقدات سنتی جوامع که با شنیدن مطالبی بر ضد قوانین و مشاهدهٔ مکرر بزهکاری همراه است و نیز تحت تأثیر توجیه بزهکاران دربارهٔ بزهکاری قرارگرفتن و پذیرفتن مطالبی چون «کارهایی که

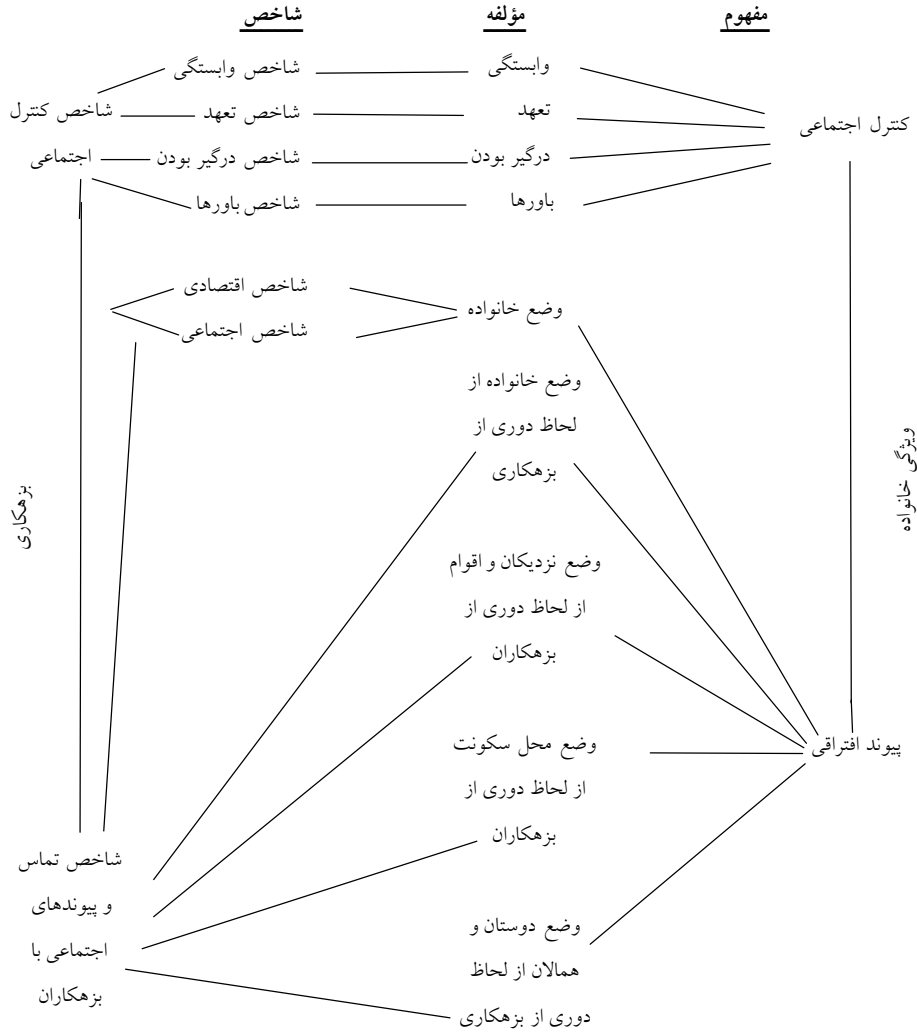
مردم بزه می‌دانند به کسی آسیبی نمی‌رساند» و «نیروهای انتظامی به همه بدگمان‌اند» راه را برای بزهکاری کسانی که با این قبیل بزهکاران پیوند اجتماعی می‌یابند، یعنی فرزندان، اقوام و دوستان آن‌ها یا، کسانی که با آن‌ها در یک ساختمان یا یک محله زندگی می‌کنند، یا بر اثر کسب و کار و تحصیل با آن‌ها تماس پیدا می‌کنند، هموار می‌کند. جنسن (۱۹۷۲) در کاربست پیوند افتراقی این مطالب را تحت عنوان دو اصل «انکار آسیب‌رسانی» و «محکوم کردن محکوم کنندگان» خلاصه می‌کند، که مراد از آن‌ها توجه بی‌ضرر و بی‌خطر بودن بزهکاری و نیز پذیرفته نشدن قضاوت‌های دیگران درباره بزهکاری در میان بزهکاران است. چنان‌که می‌بینید، نظریه پیوند افتراقی نیز به عواملی توجه دارد که با وجود مهم بودن جامع نیستند؛ زیرا برخی از بررسی‌ها نشان داده که نظارت و حمایت خانواده، و وابستگی مثبت کودک و نوجوان به والدین تأثیر منفی الگوهای بزهکارانه همالان یا اطرافیان را که خارج از خانه به کودک و نوجوان منتقل می‌شود خنثی می‌کند (جنسن، ۱۹۷۲). بنابراین می‌توان گفت که تعامل روابط کودک و نوجوان در خانه و بیرون از خانه نهایتاً گرایش او را به بزهکاری شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، ترکیب دو نظریه کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی همراه با اثرهای متقابلی که متغیرهای مورد بررسی در هریک از این دو نظریه بر روی یکدیگر دارند، نظریه جامعی را برای تبیین بزهکاری شکل می‌دهد.

چنان‌که دیدیم، نظریه کنترل اجتماعی با تکیه بر نیروهای درونی فرد و به اصطلاح با تمرکز بر «حضور روانی» افراد صاحب نفوذ بر ذهن کودک و نوجوان به تبیین و چگونگی جلوگیری از بزهکاری می‌پردازد، اما از تأثیر نیروهای منفی محیط بیرون غافل می‌ماند. در عوض نظریه پیوند افتراقی با توجه انحصاری به نیروهای بیرونی از تأثیر حفاظتی نیروهای درونی غفلت می‌کند. طبیعی است که شخص با توجه به توانایی نسبی این نظریه‌ها و پی‌بردن به نقص آن‌ها می‌تواند نظریه‌ای تلفیقی بنا نهد.

نظریه تلفیقی کنترل و پیوند

نظریه تلفیقی ما شامل دو مؤلفه است: مؤلفه اول کنترل‌های خانوادگی، اجتماعی، روابط عاطفی کودک و نوجوان با افراد مهم در زندگی او از قبیل اقوام، معلمان و دوستان صالح است که نقش بازدارنده در گرایش به بزهکاری دارند. مؤلفه دوم نیروهای وارد بر کودک و نوجوان از طرف والدین بزهکار، دوستان بزهکار، محله جرم‌خیز و کسانی که به نحوی گفتار و رفتارشان بر کودک و نوجوان اثر می‌گذارند و او را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد. بدیهی است که بین مؤلفه اول و دوم کشمکش در بین است و تعامل بین آن‌هاست که نهایتاً گرایش کودک و نوجوان را به

بزهکاری تعیین می‌کند. در این بررسی، این نظریه تلفیقی که به صورت مدلی تحلیلی در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است، چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد.



نمودار شماره ۱. نمایش مدل تحلیلی بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان

هدف‌های پژوهش

هدف‌های این پژوهش را تحت عناوین هدف‌های کلی و جزئی می‌توان بیان کرد:

هدف‌های کلی

تعیین عوامل مؤثر اقتصادی، اجتماعی و سطح فرهنگی خانواده در بزهکاری نوجوان.

هدف‌های جزئی

- تعیین تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده در بزهکاری نوجوانان.
- تعیین تأثیر محل سکونت و مهاجرت در بزهکاری نوجوانان.
- تعیین تأثیر اعتقادات و عملکردهای مذهبی و اخلاقی در بزهکاری نوجوانان.
- تعیین تأثیر نحوه‌گذران اوقات فراغت و علائق در بزهکاری نوجوانان.
- تعیین تأثیر تماس با خلافکاران در بزهکاری نوجوانان.

فرضیه پژوهش

کنترل اجتماعی (وابستگی، تعهد، درگیر بودن، اعتقادات مذهبی) و پیوندهای افتراقی با بزهکاران (خانواده، اقوام، نزدیکان، دوستان و محل زندگی) به‌تنهایی یا به‌طور توأم در بزهکاری نوجوان اثر دارند. هر قدر که میزان کنترل زیادتر و ارتباط و تماس با بزهکاران کمتر باشد، از شدت بزهکاری کودک و نوجوان کاسته می‌شود.

روش بررسی و گردآوری داده‌ها

جمعیت مورد بررسی

جمعیت مورد بررسی کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال‌اند که قانوناً بزهکار شناخته شده و در تهران دستگیر شده‌اند. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۱ نمونه‌ای از این جمعیت متشکل بود از ۱۴۰ پسر در کانون اصلاح و تربیت مرکز تهران و ۱۵ دختر در زندان اوین، بخش زنان.

نمونه مورد بررسی

از بین پسران، ۹۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند و همه دختران برای بررسی در نظر گرفته شدند.

ابراز گردآوری اطلاعات

اطلاعات این بررسی از راه مصاحبه سازمان یافته پژوهشگران و دستیاران آنها گردآوری شد. پرسشنامه‌ای شامل ۸۹ سؤال در هفت بخش ذیل طراحی و پس از آزمایش مقدماتی و اصلاحات لازم برای ثبت نتایج مصاحبه‌ها استفاده شد. سؤال‌ها در بخش‌های زیر گنجانده شدند:

- مشخصات فردی
- مشخصات محل سکونت و وضع مهاجرت
- نظام حمایت خانواده از نوجوانان
- میزان اعتقادات، باورها و عملکردها
- میزان تماس نوجوان با خلافکاران
- نحوه گذران اوقات فراغت و سرگرمی‌ها
- انواع جرایم ارتكابی نوجوان بزهکار و شدت بزهکاری

تهیه و دسته‌بندی سؤال‌ها بر مبنای چارچوب نظری پژوهش صورت گرفته که در نمودار ۱ آمده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

میزان و شدت بزهکاری کودک و نوجوان متغیر وابسته‌ای است که از چهار جزء تشکیل شده است: دفعات ارتكاب جرم، دفعات دستگیری، نحوه ارتكاب جرم به صورت فردی یا جمعی و نقش بزهکار در ارتكاب جرم به عنوان رهبر، مجری یا نگهبان. چگونگی اندازه‌گیری متغیر وابسته از طریق تحویل چهار جزء فوق به یک عامل به کمک روش آماری تحلیل عاملی^۱ صورت گرفته است. این متغیر را در فرمول‌ها با نماد Y نشان داده‌ایم. روش تحویل را بعداً شرح می‌دهیم.

1. factor analysis

متغیرهای مستقل

- ۷۹ متغیر مستقل در ۶ گروه به شرح ذیل از هر فرد بزهکار اندازه‌گیری شده است:
- الف) مشخصات فردی: هفت متغیر مستقل سن، محل تولد، تحصیلات، وضع سواد، محل زندگی، شغل و مدت اشتغال.
- ب) متغیرهای محیط زندگی و وضع مهاجرت: شامل ۹ متغیر که در پرسشنامه سؤال‌های مربوط به وضع محیط زندگی و وضع مهاجرت را شامل می‌شود و در فرمول‌ها با نمادهای X_1 تا X_9 نشان داده شده است.
- ج) متغیرهای نظام حمایتی خانواده: شامل سؤال‌های مربوط به وضع خانواده، ساختار آن و رابطه نوجوان با افراد خانواده به تعداد ۳۱ سؤال که با نمادهای X_{10} تا X_{40} مشخص شده است.
- د) متغیرهای اعتقادات و عملکردها: سؤال‌های مربوط به باورهای اخلاقی، مذهبی، تقید به انجام دادن اعمال شرعی، صرف مشروبات و مواد مخدر، تصرف در اموال غیر، مردم‌آزاری، فرار، نوع نگرش نسبت به قانون و مجریان قانون به تعداد ۱۹ متغیر که با نمادهای X_{41} تا X_{58} نشان داده می‌شود.
- ه) متغیرهای تماس با خلافکاران: تعداد دوستان و نزدیکان خلافکار و بازداشت شده، وجود افراد خلافکار در همسایگی و محله و شهرت محله به مکان بزهکاری، شامل ۴ متغیر با نمادهای X_{66} تا X_{69} .
- و) متغیرهای گذران اوقات فراغت و علایق: سؤال‌های مربوط به رابطه نوجوان با مدرسه و معلمان، ترک تحصیل، سرگرمی‌ها و علایق ورزشی به تعداد ۷ متغیر با نمادهای X_{72} تا X_{73} و X_{77} تا X_{80} .

ماتریس داده‌ها از ۱۰۵ سطر (تعداد افراد نمونه مورد بررسی) و ۸۱ ستون (متغیرهای مورد بررسی اعم از وابسته و مستقل) تشکیل می‌شود که محاسبات آماری روی آن با امکانات موجود عملاً ناممکن است. برای آنکه بتوانیم ماتریس داده‌ها را به صورتی درآوریم که محاسبه بر روی آن ممکن باشد، باید از روش‌های معمول در تحلیل‌های آماری چندمتغیره استفاده کنیم. در ذیل نتایج به کارگیری یکی از این روش‌ها ارائه می‌کنیم.

تحویل داده‌ها

چنان‌که در تحلیل‌های چندمتغیره مرسوم است، برای آن‌که حجم داده‌ها به حدی برسد که قابل اداره کردن باشد و در ضمن اطلاعات موجود در آن‌ها تا حد امکان محفوظ بماند، از

روش‌های موسوم به تحویل داده‌ها^۱ استفاده می‌شود. یکی از این روش‌ها که بیشتر مناسب کار ماست، روش تحلیل عاملی است. در این روش اطلاعات موجود در چند متغیر به نحوی به تعدادی متغیر جدید که عامل نامیده می‌شوند، تحویل می‌گردد که تعداد عامل‌ها تا حد امکان خیلی کمتر از تعداد متغیرها و از لحاظ دارا بودن اطلاعات تقریباً همان ارزش را دارا می‌باشد (جانسون و ویچون، ۱۹۸۸).

به این ترتیب، پس از تحویل ۸۱ متغیر مورد بررسی به ۲۹ عامل، کاهش چشمگیری در حجم داده‌ها ایجاد کردیم، بدون آن‌که اطلاعات موجود در آن‌ها از دست برود؛ ابتدا، چهار متغیر مربوط به بزهکاری که در شرح متغیر وابسته آمده به یک عامل Y که نشانه شدت بزهکاری است تحویل شد. سپس متغیرهای مستقل مذکور به عامل‌های کمتری تحویل شد:

الف: هفت متغیر مشخصات فردی به ۳ عامل با نشانه‌های F_۱ تا F_۳.

ب: نه متغیر وضعیت محیط زندگی و مهاجرت به ۳ عامل F_۴ تا F_۶.

ج: سی و یک متغیر نظام حمایتی خانوار به ۱۱ عامل F_۷ تا F_{۱۷}.

د: نوزده متغیر اعتقادات و عملکردها به ۶ عامل F_{۱۸} تا F_{۲۳}.

ه: چهار متغیر تماس با خلافکاران به ۲ عامل F_{۲۴} تا F_{۲۵}.

و: هفت متغیر گذران اوقات فراغت و علائق به ۳ عامل F_{۲۶} تا F_{۲۸}.

بنابراین اکنون تنها با یک عامل وابسته که نشانه شدت بزهکاری است و ۲۸ عامل مستقل که حاوی قسمت اعظم اطلاعات و ۸۱ متغیر مستقل از ۱۰۵ نفر بزهکار هستند سروکار داریم. قصد آن است که با تحلیل‌های آماری دریابیم کدام‌یک از این عامل‌ها تأثیری معنی‌دار بر متغیر وابسته شدت بزهکاری دارد تا از آن طریق عوامل مؤثر بر بزهکاری را کشف و راه‌های کنترل آن‌ها را پیشنهاد کنیم.

تحلیل داده‌های پژوهش

توصیف آماری نمونه بزهکاران

نمونه بزهکاران مورد بحث دارای میانگین سنی ۱۶ سال و شامل ۳ کودک ۱۰ ساله بود. میانگین سال‌های تحصیلی آن‌ها ۱/۳۸ سال و میانگین اندازه خانوار این افراد ۵/۳ نفر بود که با

1. data reduction

متوسط ۵/۹ نفر در یک جا زندگی می‌کردند. تعداد سال‌های تحصیلی پدران و مادران آن‌ها به طور متوسط به ترتیب ۰/۵ و ۰/۴۵ سال و میانگین درآمد سرانه در خانوار آن‌ها حدود سه هزار ریال بود.

ملاحظه می‌شود که این افراد از خانوارهای پرجمعیت، فقیر و بی‌سواد برخاسته‌اند. برای کشف میزان تأثیر این خصوصیات و متغیرهای دیگری که خصوصیات اعتقادی، عملکردی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را نشان دهد به تحلیل‌های آماری استنباطی نیاز داریم.

تحلیل استنباطی

برای نیل به هدف کشف روابط موجود بین شدت بزهکاری و عوامل مستقل دیگر و تعیین میزان تأثیر آن‌ها از تحلیل رگرسیونی چندگانه به صورت چند مرحله‌ای گام به گام، رگرسیون لورستیک و لگ‌خطی استفاده شده است. خلاصه‌ای از نتایج حاصل را در ذیل می‌آوریم. جدول شماره ۱ برآورد ضرایب معادله رگرسیونی و جدول ۲ آنالیز واریانس مربوط به رگرسیون را به دست می‌دهد. از جدول شماره ۳ چنین برمی‌آید که سه عامل F_{24} ، F_{22} و F_{10} همراه با یک مقدار ثابت برای تعیین معادله رگرسیونی کافی هستند و لازم نیست که عامل‌های دیگر در معادله گنجانده شود. سطح معنی‌داری هر یک از این ضرایب در ستون آخر سمت راست جدول آمده که حاکی از معنی‌داری شدید آن‌هاست، حال آن‌که هیچ‌یک از عامل‌های حذف شده حتی در سطح ۵٪ معنی‌دار نبوده، بنابراین نمی‌توانسته تأثیری بر شدت بزهکاری داشته باشد. معادله رگرسیونی عبارت است از:

$$Y = 2.28 + 0.27 F_{24} + 0.37 F_{22} - 0.18 F_{10}$$

اطلاعات تفصیلی درباره ضرایب محاسبه‌شده در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱. برازاندن معادله رگرسیونی به داده‌های بزهکاری با عامل وابسته شدت

بزهکاری

عامل مستقل	ضریب	خطای معیار	ملاک t	سطح معنی‌داری t
F_{24}	۰/۲۶۶۳۱	۰/۰۸۳۳۲	۳/۱۹۶	۰/۰۰۱۹
F_{22}	۰/۳۷۳۹۵	۰/۱۳۲۴۰	۲/۸۲۴	۰/۰۰۵۷
F_{10}	-۰/۱۷۸۵۱	۰/۰۸۴۶۲	-۲/۱۱۰	۰/۰۳۷۴
ثابت معادله	۲/۲۸۱۳۰	۰/۱۳۶۶۷	۱۶/۶۹۲	۰/۰۰۰۰

در جدول شماره ۲، رسایی مدل فوق برای تبیین شدت بزهکاری آزموده شده است. از این جدول پیداست که مدل مذکور برازش بسیار خوبی به داده‌ها دارد و می‌تواند برای پیش‌بینی شدت بزهکاری از روی عواملی که در مدل موجودند به کار گرفته شود.

جدول شماره ۲. آنالیز واریانس رگرسیون شدت بزهکاری بر حسب عوامل مستقل

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری F
رگرسیون	۳	۱۶/۰۸۳۷۷	۵/۳۶۱۲۶	۱۱/۵۶۳۳۲	۰/۰۰۰۰
خطا	۱۰۱	۴۶/۸۲۸۰۰	۰/۴۶۳۶۴		

تحلیل‌های دیگری با مدل‌های لگ‌خطی و لوژستیک نیز به عمل آمده که به‌طور کلی همین نتایج را داده و برای رعایت کوتاهی مطلب از ذکر جزئیات آن‌ها خودداری می‌شود.

این مدل رگرسیونی حاکی از آن است که هر قدر F_{22} ، F_{24} زیاد شود، شدت بزهکاری نیز افزایش خواهد یافت. برعکس هر قدر F_{10} افزایش یابد، شدت بزهکاری کاهش خواهد یافت. تفسیر این معادله بر حسب متغیرهای اصلی در ادامه آمده است.

یافته‌ها

چنان‌که در بخش قبل گفتیم، تحلیل عاملی و به دنبال آن تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام و در چند مرحله به تعیین عامل‌های مستقلی انجامید که تأثیر معناداری بر شدت بزهکاری دارند. بدین ترتیب، از بین ۲۸ عامل مستقلی که از طریق تحلیل عاملی به دست آمده بود، فقط سه عامل F_{10} ، F_{22} و F_{24} مؤثر شناخته شدند. عامل‌های دیگر یا به علت آن‌که تأثیری در بزهکاری نداشتند یا به علت انتقال تأثیر آن‌ها در بزهکاری از طریق سه عامل فوق‌الذکر، در معادله رگرسیون ظاهر نشده است.

برای تفسیر دقیق‌تر این یافته‌ها، لازم است بدانیم که این عامل‌های سه‌گانه معرف کدام متغیرهای اصلی هستند. پس، ابتدا ساختار عامل‌ها را بر حسب متغیرهای اصلی می‌آوریم. آن‌گاه به معرفی متغیرهایی که تشکیل‌دهنده این عامل‌ها هستند می‌پردازیم. سپس نتایج حاصل را بر حسب متغیرهای اصلی تفسیر می‌کنیم.

از محاسبات، تحلیل عاملی این ساختارها را برای سه عامل مؤثر به دست آوردیم:

$$F = 0.10X_{37} + 0.11X_{38} + 0.40X_{39} + 0.38X_{40} + 0.17X_{11} - 0.18X_{12} + 0.16X_{16} - 0.26X_{18} + 0.19X_{29} + R$$

در این ساختار از ۳۱ متغیر گروه نظام حمایتی خانوار، ۹ متغیر اثر مهمی بر F_{10} دارند که در رابطه بالا با ضرایب مربوط مشخص شده‌اند و ۲۲ متغیر دیگر اثر بسیار جزئی بر F_{10} دارند که برای اختصار از ذکر آن‌ها خودداری و برآیند آن‌ها با R نشان داده شده است.

چهار متغیر با شماره‌های ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ در واقع میزان صمیمیت نوجوان را با والدین اندازه می‌گیرند. به طور دقیق‌تر، در میان نهادن مسایلی مانند امور عاطفی، جنسی، زندگی آینده و اتفاقات مدرسه و محل کار را با والدین، افراد نزدیک فامیل یا سایرین که شامل دوستان نوجوان می‌شود، اندازه می‌گیرند. مقادیر بزرگ‌تر این متغیرها نشانه صمیمیت بیشتر نوجوان با والدین و مقادیر کوچک‌تر آن‌ها نشانه صمیمیت با دوستان و کسان دیگر غیر از افراد خانواده و فامیل است.

از ساختار رابطه بالا پیداست که هر قدر صمیمیت با والدین بیشتر باشد، عامل F_{10} بزرگ‌تر می‌شود و از رابطه رگرسیونی پیداست که هر قدر F_{10} بزرگ‌تر باشد، شدت بزهکاری کمتر می‌شود. بنابراین، وجود پیوندهای عاطفی بین نوجوان و والدین عامل مؤثری در کاهش بزهکاری است.

پنج متغیر دیگر رابطه بالا شماره‌های ۱۱ (زننده بودن پدر)، ۱۲ (زننده بودن مادر)، ۱۶ (ازدواج مجدد نکردن مادر)، ۱۸ (نبود مشاگره و دعوا در خانواده) و ۲۹ (توجه والدین به نوجوان) است. چنان‌که از ضرایب این متغیرها پیداست، بودن پدر، ازدواج مجدد نکردن مادر و توجه به نوجوان به دلیل دارا بودن ضریب‌های مثبت، موجب بزرگ شدن F_{10} و سرانجام از آن طریق باعث کاهش شدت بزهکاری می‌شود. تنها متغیری که اثری برخلاف انتظار و خلاف نتایج چارچوب نظری دارد، متغیر ۱۲، یعنی زننده بودن مادر است. این متغیر اثری منفی بر F_{10} دارد و ظاهراً سبب کاهش شدت بزهکاری می‌گردد که برخلاف انتظار است. اما با توجه به نقش انفعالی مادران در خانواده‌هایی که این بزهکاران از آن‌ها برخاسته‌اند و کلاً مردسالار هستند و در واقع مادران تأثیر خود را بر نوجوانان معمولاً از طریق پدر خانواده اعمال می‌کنند و در بعضی موارد هم به اختفای گناهان نوجوانان می‌پردازند، شاید این نتیجه چندان هم شگفت‌انگیز نباشد. اثر سایر متغیرها مطابق انتظاری است که از چارچوب نظری داریم. این دسته از متغیرها، وضع سلامت خانواده را می‌سنجند. در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو زننده‌اند، با هم اختلاف ندارند و به فرزندان توجه می‌کنند، نوجوانان کمتر به بزهکاری رو می‌آورند. برعکس، در خانواده‌های شکسته، به خصوص با وجود ناپدری و نیز دعوا و مشاگره بین والدین، شدت

بزهکاری افزایش می‌یابد. از لحاظ میزان تأثیر، باید به ضرایب متغیرها و نسبت بزرگی آن‌ها توجه کرد. از این نظر، متغیرهای ۳۹ و ۴۰ که معرف وابستگی نوجوان به والدین‌اند بسیار مؤثرتر از سایر متغیرها هستند، زیرا ضرایب آن‌ها به مراتب بزرگ‌تر از ضرایب دیگر است. به‌طور کلی، عامل F_{10} نشانه یا شاخص مؤلفه وابستگی نوجوان به خانواده و مؤلفه وضع سلامت خانواده در مدل تحلیلی است. هر قدر مؤلفه وابستگی قوی‌تر و مؤلفه سلامت خانواده از نظر روابط بین پدر و مادر و فرزندان سالم‌تر و امن‌تر باشد، بزهکاری نوجوانان بیش‌تر کاهش می‌یابد.

ساختار F_{22} از نظر متغیرهای تشکیل‌دهنده آن چنین است:

$$F_{22} = -0.22X_{41} + 0.38X_{42} - 0.30X_{43} + 0.22X_{50a} + 0.67X_{50b} + 0.21X_{51} + 0.31X_{52} + 0.58X_{53} - 0.15X_{56} - 0.36X_{57} - 0.61X_{58} + R$$

متغیرهایی که در این عامل دیده می‌شود، اعتقادات و عملکردهای نوجوانان بزهکار را اندازه می‌گیرد. متغیرهای شماره ۴۱، ۴۳، ۵۶، ۵۷ و ۵۸ ضریب منفی دارد و اگر دارای مقدار بزرگ‌تری باشد، باعث کاهش F_{22} می‌شود و سرانجام شدت بزهکاری را طبق رابطه رگرسیونی کاهش می‌دهد.

متغیر ۴۱ (اعتقاد به حلال و حرام و ثواب و گناه) و متغیر ۴۲ (فکر کردن به گناه یا حرام بودن عمل در حین ارتکاب) است. معتقدان به این اصول کمتر به بزهکاری رو می‌آورند. متغیرهای ۵۶، ۵۷ و ۵۸ معرف نگرش مثبت نسبت به پلیس، عرف جامعه و قانون هستند. هر قدر این نگرش مثبت قوی‌تر باشد، بیشتر باعث کاهش F_{22} و کاهش شدت بزهکاری خواهد شد. دسته دیگر از متغیرهای تشکیل‌دهنده F_{22} عبارت است از متغیرهای شماره ۴۲، ۵۰_a، ۵۰_b، ۵۲ و ۵۳ که همگی ضریب مثبت دارند و در صورت داشتن مقدار بزرگ‌تر موجب افزایش F_{22} و از آن طریق سبب افزایش شدت بزهکاری می‌شوند. متغیر ۴۲ (شرکت در مراسم مذهبی مدرسه و محل کار، شامل نماز جماعت، عزاداری و غیره) برخلاف انتظار دارای ضریب مثبت است. توضیحی که برای آن وجود دارد این است که صرف شرکت در این‌گونه مراسم دال بر اعتقاد به درستکاری نیست. متغیرهای ۵۰_a و ۵۰_b (سابقه صرف مشروبات الکلی و مواد مخدر) متغیرهای ۵۱ و ۵۳ (سابقه خشونت عمدی با دیگران در خانواده، مدرسه و محیط‌های دیگر) و متغیر ۵۲ (تصرف عدوانی در اموال دیگران) است. پیداست که سابقه مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر و نیز شرارت و خشونت و اعتقاد نداشتن به حرمت مال دیگران از موجبات تشدید بزهکاری است.

به‌طور کلی، F_{22} معرف مؤلفه باورها و به تبع آن عملکردهای نوجوان در مدل تحلیلی است. مؤثرترین متغیرها به لحاظ دارا بودن ضرایب بزرگ‌تر، متغیرهای ۵۳، ۵۰، ۵۸، ۴۲ و ۵۷ هستند که سابقه شرارت، مصرف موادمخدر، بی‌اعتقادی به قانون و مقررات اجتماع و حفظ ظاهر در مراسم مذهبی و شرعی را اندازه می‌گیرند. این عوامل بیش از دیگر عوامل بر شدت بزهکاری می‌افزایند.

بالأخره درباره عامل F_{24} ساختار زیر را داریم:

$$F_{24} = 0.92X_{66} + 0.94X_{67} + 0.07X_{68} + 0.22X_{69}$$

متغیرهای موجود در این عامل عبارت است از: متغیر شماره ۶۶ (تعداد دوستان بازداشت شده)، شماره ۶۷ (تعداد دوستان و نزدیکان خلافکار)، شماره ۶۸ (وجود همسایگان خلافکار) و ۶۹ (معروفیت محله مسکونی نوجوان به مکان بزهکاران).

هر چهار متغیر ضریب مثبت دارد، یعنی بزرگ بودن مقدار آن‌ها باعث افزایش F_{24} و از آن طریق موجب شدت یافتن بزهکاری می‌شود. اما بزرگی ضرایب داستان دیگری را بازگو می‌کند. دوستان بازداشت شده و خلافکاران تأثیری بسیار بزرگ‌تر (حدود ۱۳ برابر بیشتر) از همسایگان خلافکار و چهار برابر بیشتر از معرف بودن محله به مکان بزهکاران بر F_{24} و نهایتاً بر شدت بزهکاری دارند.

عامل F_{24} به‌طور کلی معرف مفهوم پیوند افتراقی و مؤلفه‌های ارتباط نوجوان با دوستان، اقوام، همسایگان خلافکار و زندگی در محله بزهکاران است.

در کل رابطه رگرسیونی نیز اثر F_{22} قوی‌تر از F_{24} و آن قوی‌تر از F_{10} است. یعنی عامل اعتقادات و باورها، عامل درجه اول، عامل ارتباط با بزهکاران عامل درجه دوم و عامل وابستگی به خانواده و وضع خانواده، عامل درجه سوم است. پس، برای کاستن از شدت بزهکاری باید باورها و اعتقادات نیکو تقویت، ارتباط با بزهکاران قطع و صمیمیت با والدین و آرامش خانوادگی تشدید شود.

۹. نتیجه‌گیری

نتایج این بررسی فرضیه پژوهشگرانی را که معتقدند پیوندهای افتراقی و کنترل اجتماعی به‌تنهایی برای تبیین بزهکاری کافی نیست، ولی توأماً می‌تواند در تبیین بزهکاری مؤثر باشد، تأیید می‌کند؛ زیرا از ۴ مؤلفه وابستگی، تعهد، درگیر بودن و باورها در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی دو مؤلفه وابستگی و باورهای نوجوانان در ارتکاب جرم تأثیر داشته است. از نظریه

پیوند افتراقی ساترلند و کرسی شاخص تماس با خلافکاران در بزهکاری نوجوانان تأثیر داشته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان چنین گفت که عوامل درونی و بیرونی در بزهکار شدن نوجوان مؤثر است و این تأثیر به شرح زیر تبیین می‌شود:

عامل وابستگی، که حضور پدر و مادر در خانواده، ازدواج نکردن مجدد مادر، توجه و تشویق والدین، آرام بودن محیط خانواده و نیز صمیمی بودن نوجوان و والدین را نشان می‌دهد، از عوامل مؤثر است.

همان‌طور که یافته‌های بررسی نشان داده است، پایداری وضعیت خانواده، در ممانعت از بزهکاری نوجوانان مؤثر است. علت این است که در سنین نوجوانی، زمانی که نوجوان به دنبال کسب هویت و الگوی شخصیتی است، نقش پدر و مادر در خانواده مؤثرتر می‌شود. از طرف دیگر، بررسی‌ها نشان داده است که وضعیت اقتصادی خانواده نیز در رفتارهای بزهکارانه نوجوان مؤثر است. بنابراین، فقدان پدر اثر غیرمستقیم خود را از طریق کاهش سطح درآمد خانواده، نبود کنترل و احیاناً اجبار نوجوان به کار کردن در سنین پایین و یافتن تماس منجر به دوستی با افراد ناباب به صورت مؤلفه تماس با بزهکاران بر رفتارهای بزهکارانه نوجوان آشکار می‌کند (کینگزلی، ۱۹۸۹).

بی‌توجهی خانواده و یا مسئولان تربیتی (مدرسه) و ضعف‌هایی که در امر تعلیم و تربیت نوجوان وجود دارد، از قبیل نبود کنترل نیز باعث کجروی‌های نوجوان می‌شود و زمینه را برای اعمال خلاف آماده می‌کند. روان‌شناسان تربیتی معتقدند که خانواده‌هایی که بر اعمال فرزندان خود نظارت ندارند و کمتر مقررات و استانداردهای مشخصی در قبال رفتارهای غیرقابل قبول آن‌ها وضع و از برخورد قاطعانه در مقابل رفتارهای خلاف فرزندان خود پرهیز می‌کنند، زمینه‌های کجروی را مساعد می‌کنند. نداشتن کنترل بر دوست‌گزینی نوجوان که موجب تماس بیشتر وی با خلافکاران می‌شود، از این مقوله است.

تشویق رفتارهای صحیح نوجوان نیز باعث رشد الگوهای مناسب در رفتار آن‌ها می‌شود. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که تشویق باعث تکرار بیشتر رفتار می‌شود. زمانی که نوجوان به دلیل رفتار صحیح مورد تشویق و تأیید بزرگسال، به‌خصوص پدر و مادر، قرار می‌گیرد احساس خودبسندگی می‌کند و نتیجه این احساس دور شدن از اعمال ناپسند است. صدق این ادعا را در یافته‌های بررسی، در مورد تأثیر توجه و تشویق بر پرهیز از بزهکاری ملاحظه کردیم.

یکی دیگر از عامل‌هایی که در این بررسی ارتباط معناداری با بزهکاری نشان داده، عامل اعتقادات است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که نگرش منفی به پلیس و ضابطه‌های قانونی و حلال و حرام بودن ارتکاب جرم را زیاد می‌کند. علت این طرز نگرش آن است که

باورهای منفی و نادرست خانواده و دوستان و معاشران نوجوان، نگرش نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تکرار اعمال قبیح از قبیح این اعمال در نزد هر کس، به‌خصوص نوجوان، می‌کاهد و این عصاره نظریه پیوند افتراقی است. اما، چنان‌که دیدیم، این امر فقط در نبود کنترل در خانواده و نداشتن معتقدات درست تحقق می‌یابد.

مصرف موادمخدر و مشروبات الکلی که هشیاری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث پایین آمدن عزت نفس و یا حتی از بین رفتن آن می‌شود در ارتکاب به بزهکاری دخیل است؛ به‌طوری که شخص برای به‌دست آوردن ماده مخدر یا هر ماده دیگری که به آن معتاد است دست به دزدی، آدم‌کشی و انواع کجروی‌های اجتماعی می‌زند.

عامل دیگری که در این بررسی اثر خود را بر بزهکاری آشکار ساخت، عامل ارتباط با بزهکاران است. در این عامل، چنان‌که دیدیم، در درجه اول غلبه با دوستان بزهکار و سپس وجود همسایگان خلافکار و زندگی در محله بزه‌خیز است.

نوجوانی مرحله‌ای از زندگی است که فرد به دنبال کسب هویت است. اگر در این مرحله والدین حضور جدی در زندگی نوجوان نداشته و وابستگی عاطفی بین آن‌ها و نوجوان وجود نداشته باشد، نوجوان با روبه‌رو شدن با الگوهای انحرافی پیرامون خود به الگوبرداری از آن‌ها خواهد پرداخت. زیرا عاملی که سبب تصحیح این حرکت نادرست شود وجود ندارد. ایجاد ارتباط نزدیک و دوستی با افرادی که رفتارهای بزهکارانه را در نوجوان القا و تقویت می‌کنند، سبب‌گرایش وی به همان چیزی خواهد شد که در اطراف خود می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش قویاً براین نکته تأکید می‌کنند که توجه به نوجوان و تربیت وی، فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای رشد و تقویت رفتارهای صحیح در خانواده‌ای سالم و صمیمی با ایجاد انگیزه، تشویق و ترغیب، کنترل و نظارت معتدل بر رفتارهای نوجوان، معاشرت‌ها و دوستان وی، نشان دادن واکنش مناسب در مقابل رفتارهای نادرست او به محض مشاهده نخستین کجرفتاری، تقویت نگرش‌های مثبت اعتقادی و باورهای صحیح مذهبی و اخلاقی، زمینه‌های مساعد را برای رشد اجتماعی وی فراهم می‌کند و او را از گرفتار شدن در دام تبهکاران و کشانده شدن به ورطه بزهکاری که آینده‌اش را خراب می‌کند می‌رهاند.

منابع

فارسی

پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، *جرم‌شناسی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.

- قائمی، محمد (۱۳۵۳)، «بررسی عوامل مؤثر در تکرار جرم». پایان‌نامه، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، تهران.
- نعمت‌زاده بابکی، حسن (۱۳۵۳)، «بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی آلونک نشینان ده‌متری خیام». پایان‌نامه، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۵۸)، *کردستان، تحلیلی از شرایط محیط طبیعی و اجتماعی این استان در ارتباط با بزهکاری*، تهران، انتشارات به‌نشر.
- غفوری غروی، سید حسین (۱۳۵۹)، *انگیزه‌شناسی جنایی*، تهران، انتشارات دانشگاه ملی.
- احدی، حسن و نیکچهر محسنی (۱۳۷۰)، *روانشناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی*، تهران، انتشارات چاپ‌نشر و بنیاد.
- کیوی، ریمون و لک وان کامپنهود (۱۳۷۰)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

انگلیسی

- Thompson, William E. and Jack e. Bynum (1991). *Juvenile delinquency; Classic and Contemporary Readings*. Boston, Allyn and Bacon.
- Hirschi, Travis. (1969). *Causes of Delinquency*. Berkeley, University of California Press.
- De Fleur, Melvin. And Richard Quinney. (1966), "A Reformulation of Sutherland's differential Association Verification" *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 3: 1-11.
- Thompson, William E. Jim Mitchel and Richard A. Dodder, (1984). "An Empirical Test of Hirschi's Control Theory of Delinquency". *Deviant Behavior*, 5: 11-22.
- Jensen, Gray F. (1972). "Parents, Peer and Dlinquent Action A test of the Differential Association Perspective". *American Journal of Sociology*, 78: 562.575.
- Johnson, R. A. and Dean. W. Wichern (1988). *Applied Multivariate Statistical Analysis* (2nd ed). New Jersey, Prentic-Hall.
- Ronald F. Kingsley, (1989). "A Peer Connection Program; An In-school Resource for High Risk-Delinquency Prone Student". *Juvenile & Family Court Journal*, 40, No. 3; 25-28.

* * *

محمدرضا مشکانی استاد آمار دانشگاه شهید بهشتی و مؤلف کتاب‌های *تحلیل سری‌های زمانی و پیش‌بینی و تحلیل رگرسیون چند متغیره گسسته*، است. زهرالسادات مشکانی، دانشیار دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران مؤلف کتاب‌های *طرز تدوین پرسشنامه و تحلیل نیازهای آموزشی* است.